

معیارهای تحول در رشته اقتصاد از دیدگاه متخصصین شاغل در بازار کار

حسین صادقی^۱
حمید آسایش^۲
محمد رضا محمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/ ۸ / ۲۵

تاریخ دریافت: ۹۵/ ۸ / ۱

چکیده

با عنایت به دلایل مختلف امروزه اصلاح دوره کارشناسی رشته اقتصاد و حذف گرایش‌ها در راستای تحول علوم انسانی مورد تأکید قرار گرفته است، لیکن بررسی نظر دانش آموختگان رشته شاغل در بازار کار حاکی از این موضوع می‌باشد که طبق نظر نمونه ۳۵۰ نفری از متخصصین اقتصاد با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی از بین اقدام‌های اصلاحی از قبیل تقویت دروس اسلامی، تقویت دروس کلیدی، بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران، معرفی دروس بین رشته‌ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد، معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه‌ای و جهانی، عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی و تدوین چارچوب برای دروس، شاخص‌های مرتبط با ایجاد چارچوب مدون و مشخص برای دروس رشته و اضافه نمودن گرایش‌های کاربردی در رشته اقتصاد و معرفی دروس بین رشته‌ای دارای اولویت از دیدگاه بازار کار می‌باشد.

کلمات کلیدی: رشته اقتصاد، تحول، تحلیل سلسله مراتبی، گرایش
طبقه بندی JEL: I21, D21, C60, A20

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

sadeghih@modares.ac.ir

hamid_asaiesh@yahoo.com

Mrmohamadi51@gmail.com

۱- دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

۲- استادیار دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

۳- عضو هیات علمی دانشگاه امام خمینی نوشهر

مقدمه

از اهداف مهم تدریس علم اقتصاد در هر جامعه، کمک به تنظیم مناسبات زندگی اقتصادی مردم براساس فرهنگ و بوم آن جامعه است. در این صورت، باید به ویژگی های علم اقتصاد توجه ویژه ای کرد. و تدریس اقتصاد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی ضرورتی اجتناب ناپذیر است. بومی سازی اقتصاد در هر جامعه، از یک طرف، مستلزم توجه محوری به ساختار، شرایط و واقعیت های اقتصادی و از طرفی دیگر، توجه به ارزش های آن جامعه است. بنابراین، اهداف کلی علم اقتصاد به اختصار عبارت اند از: نخست، تحلیل سلوک و رفتار عملی انسان در زندگی اقتصادی؛ دوم، تحلیل سلوک و رفتاری که انسان بر مبنای ارزش های پذیرفته شده در زندگی اقتصادی، از خود نشان می دهد؛ و سوم، تجویز راهکارهای مناسب برای تحقق بایدها و ارزش های پذیرفته شده. از آنجا که علم اقتصاد دائماً در تحول و پیشرفت است، تحقق این اهداف الزاماً مستلزم نوین سازی مستمر تدریس اقتصاد است.

امروزه اکثر اقتصاددانان توسعه و دانش آموختگان متفق القولند که نظریه اقتصادی سنتی، تناسب محدودی با جریانات اقتصادی کشور دارد. شاید گونارد میردال، اقتصاددان برجسته سوئدی و برنده جایزه نوبل، درخصوص کاربرد نظریه ها و مفاهیم اقتصادی سنتی در کشورهای فقیر، بهترین اظهارنظر را کرده است: «وقتی نظریه ها و مفاهیمی که متناسب با شرایط خاص دنیای غرب طرح شده اند، بدون تناسب برای مطالعه کشورهای در حال توسعه که با شرایط دنیای غرب مطابقت ندارند، بکار می روند، عواقب وخیمی در انتظار است.»

امروزه، اساتید و دانش آموختگان و صاحب نظران اقتصادی، بیشتر با این نظریه ها آشنا هستند تا با واقعیت های اقتصادی جامعه خود. به همین دلیل، در دانشگاه ها علم از عمل جداست و کتاب های منتشر شده در زمینه های اقتصادی، یا کاملاً نظری هستند و یا صرفاً توضیح واقعیت اند. در زمینه ارتباط واقعیت ها با نظریه های اقتصادی نیز به ندرت به منابع قابل توجهی می توان دست یافت. بنابراین تحول علم اقتصاد در سایه تحول علوم انسانی از ضرورت های علم اقتصاد می باشد و در این تحول باید به کنش و واکنش متقابل از طرف نظام تولید علم و نظام اجرایی، توجه نمود. بطور کلی ساختار آموزشی با عنایت به عوامل مختلف از قبیل نیاز به تخصص ها در بازار کار، ارتباط با صنعت، حل مشکلات کشور و ... نیاز به اصلاح ساختار دارد که در این تحقیق به نحوه اصلاح ساختار در سطح کارشناسی اقتصاد از دیدگاه دانش آموختگان شاغل در بازار کار می پردازد.

ادبیات موضوع

از نظر شهید صدر، علم اقتصاد عبارتست از: علمی که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر می‌کند و ارتباطشان را با اسباب و علل آنها بیان می‌دارد. در واقع، علم اقتصاد، قوانین حاکم بین پدیده‌های عینی را کشف می‌کند. علم اقتصاد، پیوسته در عرصه اکتشاف پدیده‌های اقتصادی عینی و شناسایی علل و آثار و منعکس‌کننده قوانین و روابط بین آنهاست. پس رسالت دانش اقتصاد، کشف پدیده‌های اقتصادی و تحصیل علل و قوانین حاکم بر آنهاست. لذا دانش آموختگان اقتصاد باید بتوانند از این علم استفاده لازم را بنمایند. بطور کلی طبق چارچوب مشخصات کلی دوره کارشناسی رشته اقتصاد از تصویب برنامه فعلی رشته علوم اقتصادی در سطح کارشناسی سال‌های زیادی می‌گذرد و خلاصه‌ای از مراحل مختلف تصویب و بازنگری این برنامه به شرح ذیل به استحضار می‌رسد:

- ۱- برنامه آموزشی رشته علوم اقتصادی در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱/۲۳ به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی سابق رسید و پس از ابلاغ به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، در کلیه دانشگاه‌ها و موسسات آموزشی که مجوز ارائه برنامه مزبور را داشتند به اجرا درآمد.
- ۲- پس از دو سال از اجرای برنامه یاد شده، کمیته برنامه ریزی آموزشی اقتصاد و امور بازرگانی به منظور ارزیابی-کارایی این برنامه، شروع به نظرخواهی از موسسات مجری نمود. براساس پیشنهادهای و اصلاحات رسیده از واحدهای یاد شده، کمیته مزبور، تجدید نظر در برنامه کارشناسی مصوب را آغاز کرد و یک برنامه تجدیدنظر شده پیشنهادی تهیه کرد.
- ۳- برنامه اخیر مجدداً برای همه مؤسسات آموزشی مجری و همچنین به بخش‌های برنامه ریزی و آموزشی وزارتخانه‌هایی که وزیر مربوط عضو شورای اقتصاد بودند و نیز به سایر مؤسسات اقتصادی کشور نظیر بانک مرکزی و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران فرستاده شد. پس از دریافت پیشنهادهای و اظهارنظرهای مؤسسات نامبرده، تجدیدنظرهای برنامه کارشناسی اقتصاد از مهر ماه ۱۳۶۵ در کمیته برنامه‌ریزی آموزشی شروع شد و پیشنهادهای رسیده در جلسات هفتگی کمیته از تاریخ مزبور تا آبان ماه ۱۳۶۶ مورد رسیدگی قرار گرفت.
- ۴- نتیجه اقدامات فوق‌الذکر این بود که برخی ضوابط آموزشی مصوب تغییر کرد که از جمله آنها میتوان تقلیل واحدهای آموزشی دوره از ۱۶۶-۱۶۲ واحد به ۱۴۶-۱۴۲ را نام برد. تعدادی از وزارتخانه‌ها و مؤسسات اقتصادی کشور خواستار اجرای دوره کارشناسی علوم اقتصادی با تکیه برزمینه تخصصی خاص شده بودند. بنابراین لازم بود که در این تجدیدنظرها، از تجربیات اجرای برنامه بهره‌برداری شود سپس پیشنهادهایی که رسیدن به اهداف برنامه را تسریع میکرد به متن برنامه اضافه شد تا نیاز آموزشی مؤسسات متقاضی برای ارائه زمینه‌های تخصصی به نحو مطلوبی

تأمین گردد. سرانجام، برنامه تجدیدنظر شده رشته علوم اقتصادی با ۱۴۵ واحد و شش گرایش (اقتصاد نظری، اقتصاد بازرگانی، اقتصاد صنعتی، اقتصاد حمل و نقل، اقتصاد پول و بانکداری و اقتصاد کشاورزی) تهیه گردید.

۵- مشخصات کلی، برنامه و سر فصل دروسی که در حال حاضر در دوره کارشناسی رشته علوم اقتصادی برای دانشگاه‌های کل کشور تعریف شده و در حال اجراست مربوط به سیصد و بیست و یک مصوبه جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۷۵/۳/۲۷ می باشد. در برنامه کنونی طول دوره کارشناسی علوم اقتصادی در هر شش گرایش چهار سال است و نظام آموزشی آن واحدی است. تمامی دروس در هشت نیمسال تحصیلی ارائه میشود. طول هر نیمسال تحصیلی ۱۶ هفته است. مدت هر واحد نظری ۱۶ ساعت و هر واحد عملی ۳۲ ساعت در طول یک نیمسال تحصیلی است. تعداد واحدهای درسی برای هر گرایش در برنامه کارشناسی علوم اقتصادی ۱۳۵ واحد می باشد.

بطور کلی ایرادات متعددی درخصوص آموزش امروزه اقتصاد وجود دارد؛ بطور مثال در جوامع اسلامی ایران، لزوم تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی و بومی در عمل مورد نیاز است. با وجود نوظهور بودن مبحث اقتصاد اسلامی در میان مسلمانان و در ادبیات اقتصادی جهان، نیاز و اشتیاق به این موضوع باعث توسعه قابل توجه ادبیات اقتصاد اسلامی شده است. همگام با این روند توسعه، چندین دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی اقدام به برگزاری دوره های آموزشی در زمینه‌هایی از اقتصاد اسلامی در سطح کشورهای مسلمان و در مقاطع مختلف کرده‌اند. اما، یکی از محدودیت‌های اساسی، به قابلیت‌های مدرسان، برنامه درسی و متون درسی باز می‌گردد. تا وقتی که مدرسان اقتصاد با رویکرد اسلامی، اقتصاددانانی متبحر و مسلط به مبانی علمی اقتصاد متعارف با تجربه تدریس و به ویژه تحقیق، کافی نباشند، شرط لازم موفقیت حاصل نیست. شرط کافی، اسلام شناس بودن این مدرسان و محققان است که بسیار فراتر از آشنایی آن‌ها با فقه است. این آگاهی اسلامی به طور معمول، بدون تحصیل و ممارست جدی و بدون گام برداشتن در نظریه‌پردازی در این وادی، به طور مؤثر اسلامی نمی‌شود. "قیل و قالها" قابل اکتساب و کاربردی نیست و رویکرد اقتصاد با نقل البته، بدیهی است که به تناسب سطح توفیق مدرسان در تحصیل این قابلیت‌ها، درجات موفقیت در امر تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی متفاوت خواهد بود. یکی از مشکلات اساسی دیگر در این باره، به طور کلی، فقدان برنامه درسی و متون و مواد درسی مناسب و کافی برای تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی است. البته، بحث درخصوص هر یک از مقولات این مبحث، مستلزم غور در حوزه های جداگانه‌ای از معرفت است که نه در استطاعت نگارنده و نه در حوصله این مقال است. بنابراین، در این مجال، بحث صرفاً به اقتصاد خرد محدود می‌شود. در براینده این رویکرد در حوزه تولید علم سبب شد که براساس آمار فرهنگستان علوم، از

۸۰۰ عنوان کتاب منتشره در زمینه مباحث دانش اقتصاد در کشور، کمتر از ۲۰ عنوان به مباحث اقتصاد اسلامی اختصاص یابد و همین وضعیت برای مقالات علمی پژوهشی انتشار یافته، رساله‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری و سایر زمینه‌ها قابل تصور است. با این وصف، اگر فاصله تولید علم در دانش اقتصاد نظام آموزشی رسمی ایران را با مرز دانش جهان با میزان ذکر شده در بخش‌های پیشین مقاله به صورت مبنا در نظر بگیریم می‌توان دآوری کرد که تولید علم در زمینه اقتصاد اسلامی، با فرایند تولید علم اقتصاد در نظام آموزش رسمی فاصله قابل توجهی دارد و شکاف قابل توجه آن تا حد قابل توجهی معطوف به فقدان تقاضا بر این مباحث در سطوح گوناگون جامعه است.

همچنین شورای تحول بدنال اصلاح رشته اقتصاد برآمد زیرا معرفی گرایش‌های شش گانه در دوره کارشناسی رشته اقتصاد مربوط به سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۴ می باشد که به دلایل ذیل حذف این گرایش‌ها و تقویت دروس کلیدی ضروری به نظر رسید، ضمن آنکه با معرفی دروس جدید می‌توان دانشجویان دوره کارشناسی را با مسائل بیشتری در حوزه‌های اقتصاد اسلامی، اقتصاد ایران، اقتصاد جهان و بومی سازی نظریات اقتصادی آشنا نمود که نهایتاً موجب تقویت سرمایه انسانی در کشور خواهد بود.

دلیل اول: هدف از دوره کارشناسی علوم اقتصادی تربیت کارشناسانی است که با کسب اطلاعات عمومی و جامع در رشته اقتصاد بتوانند:

- ۱- وارد مشاغل عمومی در بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی بشوند.
- ۲- ظرفیت کافی برای کسب مهارت‌های تخصصی به دست آورند تا بتوانند در مشاغلی که نیاز به تخصصهای فنی حرفه‌ای دارد (بانک‌ها، بیمه، شرکت‌های تجاری و مالی تخصصی و نظایر آن) جذب شوند.

۳- ظرفیت علمی کافی برای ادامه تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد را کسب نمایند.
با توجه به معیارهای سه گانه فوق‌الذکر به نظر رسید که ارائه یک دوره کارشناسی علوم اقتصادی (بدون گرایش) بتواند این اهداف را بهتر تأمین نماید.

دلیل دوم: گرایش‌های موجود در دوره کارشناسی از چنان سطح تخصصی برخوردار نیست که دانش آموختگان کارشناسی با یکی از آن گرایش‌ها بتوانند مسئولیت‌های تخصصی در سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی را بپذیرند. این تخصص‌ها را می‌توان در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری ارائه نمود که قرار است در بازنگری برنامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری تقویت شود.

دلیل سوم: سازمان‌ها یا نهادهای اقتصادی در بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی معمولاً در آگهی‌های استخدامی، متقاضی دانش‌آموختگان کارشناسی اقتصاد هستند و جز در موارد بسیار نادر تأکیدی بر گرایش ندارند.

شاید در سال‌های گذشته چنین تأکیدهایی وجود داشته اما با توجه به گسترش دوره‌های کارشناسی ارشد تخصصی و دکتری در اقتصاد، هم اکنون دوره کارشناسی اقتصاد معمولاً به صورت یک دوره عمومی مدنظر قرار می‌گیرد و لذا سازمانهای دولتی و خصوصی، بعد از استخدام دانش‌آموختگان دوره کارشناسی، رأساً دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را برای این دسته از استخدام‌شدگان برگزار می‌نمایند. **دلیل چهارم** با بررسی ۶۸ دانشگاه برتر جهان، ملاحظه شد که دوره کارشناسی علوم اقتصادی به صورت عمومی بوده و اساساً فاقد گرایش تخصصی می‌باشد.

همچنین دلایل دیگری نیز مطرح می‌گردد، در جامعه، تقاضا برای دانش و به طور خاص برای دانش اقتصاد عموماً به وسیله دو گروه صورت می‌گیرد: گروه اول، سیاستگذاران و مدیران دولتی (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بخشی) که تصمیم‌های کلان را اتخاذ، و سیاستگذاری می‌کنند و گروه دوم مدیران بنگاه‌های بخش خصوصی که برای برنامه‌های توسعه‌ای خود نیازمند یافته‌های جدید پژوهشی و دستاوردهای نو علمی هستند.

همچنین منتقدان روش شناسی اقتصاد چند ایراد پیرامون آن مطرح کرده‌اند. کالدول صاحب نظر برجسته در روش شناسی اقتصاد، ضمن برشمردن این ایرادها، پاسخ گونه‌هایی به آن‌ها می‌دهد که به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

ایراد اول: آن است که اصولاً یادگیری روش شناسی شرط اقتصاددان شدن نیست، بنابراین با توجه به کمیابی منابع، مناسب است دانشجویان در موضوعاتی چون اقتصادسنجی و سایر شعبات کاربردی اقتصاد، سرمایه‌گذاری کنند. ایراد یادشده مخدوش است زیرا پیش فرض مذکور احتمالاً این است که علم اقتصاد یک رشته یکنواخت، شفاف و با عناصر کاملاً تعریف شده است. بدیهی است که اگر این ادعا درست باشد نیازی به روش شناسی اقتصاد نیست. برخی از اقتصاددانان چنین فکر می‌کنند و ویژگی‌های فوق را برای اقتصاد پذیرفته‌اند و آن را رشته‌ای تثبیت شده همانند فیزیک تلقی می‌کنند.

ایراد دوم: این است که اصولاً روش شناسی به تجویز و قضاوت فیلسوفانه در مورد بهترین روش‌های علوم مربوط می‌شود. ولی فلاسفه با علم اقتصاد آشنایی ندارند، بنابراین دغدغه آن‌ها با دغدغه اقتصاددانان ارتباط بسیار کمی دارد. کالدول این ایراد را نیز غیرقابل قبول تلقی می‌کند. کالدول می‌گوید این نوع اظهارنظرها و تجویزهای فلسفی پیرامون اقتصاد، لزوماً از سوی فلاسفه صورت

نگرفته و عمدتاً اقتصاددانان به آن پرداخته‌اند. این اظهارنظرها گاهی از ناحیه اقتصاددانانی صورت گرفته‌اند که می‌خواهند چگونگی اقتصاد را بهتر بشناسانند (مثل ساموئلسون) و گاهی برای آن است که نشان دهند چگونه می‌توانیم اقتصاد را علمی‌تر کنیم (مثل تلاش بلاگ و هاجیسون). به عبارت دیگر، اصولاً اقتصاددان‌ها می‌خواهند رشته خود را علمی جلوه دهند، بنابراین ناچارند از روش‌شناسی استفاده کنند. همانطور که اشاره شد، یکی از پرسش‌های روش‌شناسی اقتصاد بحث علمی بودن و نبودن خود این رشته است. در این صورت طبیعی است که موضوع به فلسفه کشیده می‌شود.

سومین ایراد: نسبت به روش‌شناسی آن است که بحث‌های روش‌شناسی به نتایج قطعی نمی‌رسند و شاید به این دلیل است که تنها گروه‌های فرعی اقتصاددانان به آن علاقمند هستند. البته این که منتقدان نظریه ارتدوکس نئوکلاسیک از روش‌شناسی استفاده می‌کنند، صحیح است. اما نمی‌توانیم آن‌ها را گروه فرعی تلقی کنیم و یا استفاده‌کنندگان روش‌شناسی اقتصاد را تنها منحصر به آنان بدانیم. هر تحلیل‌گر اقتصادی که بخواهد در مورد قوت و اعتبار نظریه‌های اقتصادی اظهارنظر و یا در مورد استحکام روش‌های تجزیه و تحلیل قضاوت کند، نیازمند مطالعات روش‌شناسی خواهد بود. بنابراین این امر به گروه کم و یا گروه زیاد و یا صرفاً منتقدان نظریه خاصی مربوط نمی‌شود. مثلاً نقد نظریه اقتصادی مارکسیستی یا نهادگرا توسط برخی از اقتصاددانان نئوکلاسیک نیز نیازمند پژوهش روش‌شناسی است. کار هر اقتصاددانی که به الگوسازی و آزمون نظریه‌ها اقدام می‌کند، بر روش‌شناسی استوار است. کالدول تصریح می‌کند که: «روش‌شناسی (گویی) مثل تفاسیر (و توصیفات)، همه جا حاضر است، بنابراین انکار آن، غرق شدن در ابهام (و کج اندیشی) را به دنبال دارد.»

پیشینه تحقیق:

در خصوص لزوم تحول در آموزش اقتصاد در ایران تحقیقات مختلفی از جنبه‌های خاص انجام شده است بطور مثال از در مقاله زراء نژاد (۱۳۹۲) بحث در مورد آموزش اقتصاد خرد با رویکرد بومی‌سازی و نوین‌سازی انجام شده است. از آنجا که علم اقتصاد دائماً در تحول و پیشرفت است، تحقق این هدف الزاماً مستلزم نوین‌سازی مستمر است. بنابراین، تدریس اقتصاد با رویکرد بومی‌سازی و نوین‌سازی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بومی‌سازی اقتصاد در هر جامعه، مستلزم توجه محوری به ساختار، شرایط و واقعیت‌های اقتصادی و توجه به ارزش‌های آن جامعه است. این الزام در جوامع اسلامی، در عمل، به مفهوم لزوم تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی است موفقیت در این امر مستلزم وجود اقتصاددانان اسلام‌شناس با سابقه تدریس و تحقیق کافی و مؤثر و تدوین

متون و مواد درسی مناسب و کافی است. براساس نتایج این مطالعه، تدریس باید با بررسی و نقد مفهوم انسان اقتصادی آغاز گردد؛ سپس، برخی از ملاحظات روش شناختی مورد بررسی قرار گیرد در این زمینه، لازم است که نظریات علمی به عنوان مجموعه ای از گزاره های تبیین کننده روابط علی پدیده ها شامل پیش فرض ها، گزاره های ارزشی و گزاره های توصیفی معرفی شوند. باورهای دینی و ارزش های اخلاقی در ساختار پیش فرض ها و تکوین نظریات علمی کاملاً مؤثر هستند. همچنین، باید روش تفکر اقتصادی و شیوه به کارگیری رویکردهای اخلاق آموزش داده شود و از ترویج صرف نظریه های اقتصادی احتراز گردد. نباید به پیش فرض ها و رویکردهای تحلیلی مسلط، ندانسته اعتباری ایدئولوژیک بخشید و بدون تأمل آن ها را پذیرفت و ترویج داد. برخلاف ادعای مسلط در ادبیات اقتصادی، رفتار واقعی انسان به شدت تحت تأثیر ملاحظات اخلاقی و برگرفته از مجموعه بسیار غنی از ارزش ها و ترجیحات است. شواهد تجربی نیز نشان داده است که در جوامع پیشرفته ای مانند آمریکا، آلمان، روسیه و جوامعی مانند قبایل کوچروی اندونزی، رفتار مردم بر مبنای خودخواهی نیست در شرایط موجود، با توجه به اقبال نسبی به رویکردهای اخلاقمدارانه و دینی به اقتصاد و تقاضای روزافزون جوامع اسلامی برای تدوین و تدریس اقتصاد با رویکرد اسلامی، باید تلاش مؤثر کرد تا متون اقتصادی با رویکردی اسلامی تدوین شود. در این ارتباط، تنظیم و ارائه سرفصل های دروس اقتصاد، به ویژه اقتصاد خرد، با رویکرد اسلامی برای تدریس در رشته اقتصاد در مقاطع کارشناسی و بالاتر بسیار مهم و لازم می نماید.

درخشان (۱۳۹۱)^۱ در مقاله ای با عنوان بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی، نخست به تعریف و بررسی اجمالی رویکرد های تقلیدی و بومی به نظریات اقتصادی رایج از دیدگاه اقتصاد اسلامی می پردازد و سپس مفاهیم بومی و بومی سازی را از دیدگاه حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری به اجمال مرور می کند. رویکرد بومی را با دو رویکرد تطبیقی و مبنایی تقسیم کرده و نشان می دهد که در رویکرد تطبیقی، نقد فروض پایه ای در نظریات اقتصادی منطق انتزاع در نظریه پردازی های اقتصادی به و تبیین کاستی های منطق انتزاع در نظریه پردازی های اقتصادی به ویژه در شناسایی فعالان اقتصادی و جایگاه آنان در نظریات اقتصادی به ویژه در شناسایی فعالان اقتصادی و جایگاه آنان در نظریات اقتصادی رایج می تواند ثمربخش باشد. با وجود این، رویکرد تطبیقی فاقد ظرفیت کافی برای نظریه پردازی در اقتصاد

۱- درخشان، مسعود، (۱۳۹۱)، بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۲، ۷۱-۳۳

اسلامی است و لذا نمی‌توان آن را در سیاستگذاری های اقتصادی بکار گرفت. مقاله بدین نتیجه رسید که رویکرد مبنایی، تنها راهکار برای بومی سازی اقتصاد و شرط لازم برای ساختن الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل

در این تحقیق از فرایند تحلیل سلسله مراتبی^۱ (AHP) جهت اولویت بندی شاخص های موثر بر تغییرات علم اقتصاد، استفاده می‌شود. AHP روشی است که در آن یک وضعیت پیچیده، به بخش های کوچکتر آن تجزیه شده، سپس این اجزا در یک ساختار سلسله مراتبی قرار می‌گیرد. این فرایند شیوه‌ای برای ساماندهی اطلاعات و قضاوت‌ها و بکاربردن آنها در تصمیم‌گیری براساس توانایی، احساسات و منطق موضوع مورد نظر ارائه می‌دهد، پس از آن قضاوت‌ها در قالب نتیجه‌ای با هم ترکیب می‌نماید که با انتظارات درونی همخوانی دارد. از این فرایند برای طبقه بندی گزینه‌ها و تخصیص منابع می‌توان استفاده کرد. این فرایند گزینه‌های مختلف را در تصمیم‌گیری دخالت داده و امکان تحلیل حساسیت روی معیارها و زیرمعیارها را دارد، علاوه بر این مبنای مقایسه زوجی بنا نهاده شده، که قضاوت و محاسبات را تسهیل می‌نماید. همچنین میزان سازگاری و ناسازگاری تصمیم را نشان می‌دهد که از مزایای ممتاز این تکنیک در تصمیم‌گیری چند معیاره می‌باشد. فرایند طوری طراحی شده که با ذهن و طبیعت بشری مطابق و همراه می‌شود و با آن پیش می‌رود. این فرایند مجموعه‌ای از قضاوت‌ها (تصمیم‌گیری‌ها) و ارزش گذاری‌های شخصی به یک شیوه منطقی می‌باشد بطوریکه می‌توان گفت تکنیک از یک طرف وابسته به تصورات شخصی و تجربه جهت شکل دادن و طرح ریزی سلسله مراتبی یک مسئله بوده و از طرف دیگر به منطق، درک و تجربه جهت تصمیم‌گیری و قضاوت نهایی مربوط می‌شود. کلیه افراد اعم از دانشمندان اجتماعی و فیزیکی، مهندسان و سیاستمداران و حتی افراد عامی می‌توانند این روش را بدون استفاده از متخصصین به کار ببرند. امتیاز دیگر فرایند تحلیل سلسله مراتبی این است که ساختار و چهار چوبی را جهت همکاری و مشارکت گروهی در تصمیم‌گیری‌ها یا حل مشکلات مهیا می‌کند. فرایند تحلیل سلسله مراتبی با تجزیه‌ی مسایل مشکل و پیچیده آن‌ها را به شکلی ساده تبدیل کرده و به حل آن‌ها می‌پردازد. این روش کاربردهای فراوانی در مسائل اقتصادی و اجتماعی پیدا کرده است و در سال‌های اخیر در امور مدیریتی نیز به کار رفته است. برای حل یک مسئله یا تصمیم‌گام‌های زیر باید برداشته شود:

۱. ساختن سلسله مراتبی

1-Analytical Hierarchy process

۲. محاسبه ی وزن

۳. سازگاری سیستم

قلمرو تحقیق

در این تحقیق دانش آموختگان اقتصاد در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دانشجوی دکترا و دکتری مورد بررسی قرار می‌گیرند که به طور عام جذب دیوان سالاری اداری و شرکتی شده، در مشاغل کارشناسی یا حوزه مدیریت میانی مشغول به امور اجرایی می‌شوند و عملاً در فرایند تولید علم در حوزه دانش اقتصاد نقش و تأثیری ندارند. بدین لحاظ که آن‌ها به نمایندگی از بازار کار نیازهای فنی را بیان می‌نمایند. از نظر رده های شغلی آزمودنی‌های تحقیق در ۲ گروه دولتی و خصوصی به شرح جدول زیر تقسیم بندی شدند:

جدول ۱- گروه شغلی پاسخ دهندگان

سطوح	فراوانی	درصد فراوانی
کارمند دولت	۱۵۰	۴۲
کارمند شرکت خصوصی	۲۰۰	۵۸
کل	۳۵۰	۱۰۰

همچنین تمرکز قلمرو تحقیق به تفکیک سازمان ها عبارت از:

جدول ۲- سازمان شغلی پاسخ دهندگان

سازمان ها	فراوانی	درصد فراوانی
بانک	۹۵	۲۷
بیمه	۸۵	۲۴
وزارتخانه و موسسه دولتی	۵۶	۱۶
سایر شرکت ها	۱۱۴	۳۳
کل	۳۵۰	۱۰۰

از نظر سطح تخصص اقتصادی، پاسخ دهندگان به شرح ذیل می باشند:

جدول ۳- سطح تخصص پاسخ دهندگان

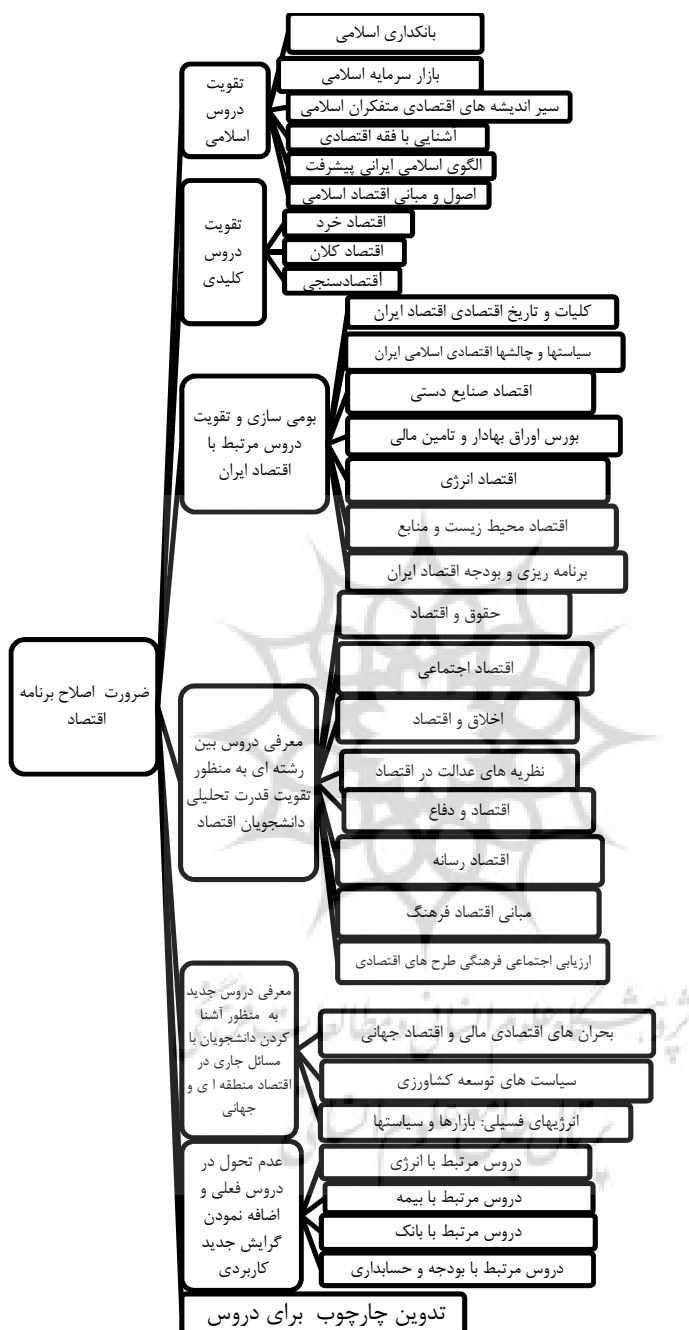
سطوح سواد	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۱۹۹	۵۷٪
کارشناسی ارشد	۱۰۲	۲۹٪
دکترا یا دانشجو اقتصاد	۴۹	۱۴٪
کل	۳۵۰	۱۰۰٪

تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس روش تحلیل سلسله مراتبی

پس از تعیین شاخص‌های اولیه تحول علوم اقتصاد در ادامه با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی به کمی‌سازی اولویت‌ها پرداخته می‌شود. بدین منظور ابتدا ساختار شاخص‌های اولویت‌بندی مشخص می‌شود. براساس برنامه تحول علم اقتصاد و بازنگری برنامه آموزشی دوره کارشناسی رشته و سایر منابع ضرورت‌ها و دروس پیشنهادی رشته اقتصاد از دیدگاه دانش‌آموختگان رشته بررسی خواهد گردید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۱- ساختار تحلیل

پس از تعیین ساختار تحلیل سلسله مراتب گام‌های زیر برداشت می‌شود:

الف) طراحی پرسشنامه با استفاده از زیرمعیارهای استاندارد شده

ب) تعیین جامعه نمونه به صورت عمدی و توزیع پرسشنامه مزایق اطلاعات فوق

ج) تعیین وزن هر یک از معیارها و زیرمعیارها نسبت به یکدیگر توسط گروه قضاوت کارشناسی براساس جدول مقایسه زوجی صورت خواهد گرفت

د) عملیات محاسبه داده‌ها از طریق محاسبه میانگین هندسی

و) استخراج اولویت‌ها با «رمال سازی» و محاسبه «میانگین موزون» و تعیین وزن نهایی جایگزین‌ها و در نهایت نرخ سازگاری که در روش "AHP" میزان نرخ ناسازگاری قابل تحمل کمتر از ۰/۱ در نظر گرفته شده است.

اولویت بندی معیارها با استفاده از روش AHP

در زیر به اولویت بندی اقدامات لازم جهت اصلاح رشته اقتصاد استخراج گردیده‌اند پرداخت می‌شود.

تعیین ماتریس زوجی

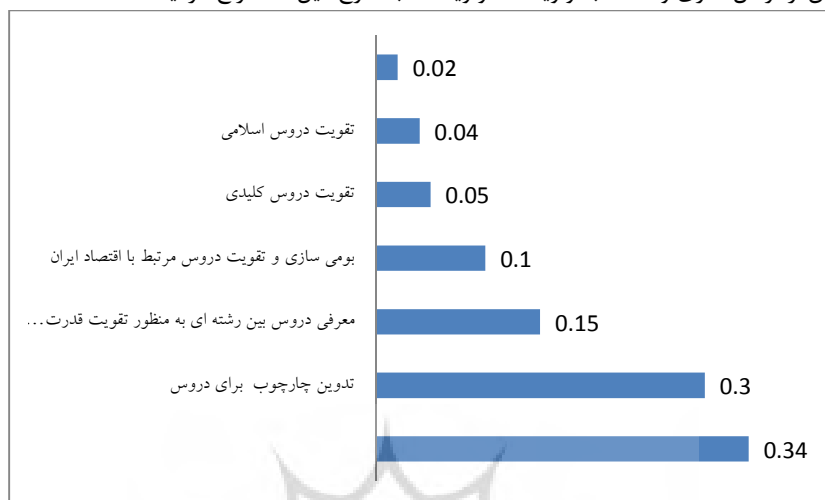
میانگین	تقویت دروس اسلامی	تقویت دروس کلیدی	بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران	معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد	معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی	عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی	تدوین چارچوب برای دروس
تقویت دروس اسلامی	1.00	0.10	1.31	0.24	0.16	0.14	0.20
تقویت دروس کلیدی	10.31	1.00	0.14	0.23	0.11	0.18	0.55
بومی سازی و تقویت دروس مرتبط با اقتصاد ایران	8.39	7.18	1.00	0.08	0.32	0.16	0.39

0.42	0.23	0.16	1.00	11.98	4.33	4.13	معرفی دروس بین رشته ای به منظور تقویت قدرت تحلیلی دانشجویان اقتصاد
0.37	0.09	1.00	6.17	3.09	9.27	6.35	معرفی دروس جدید به منظور آشنا کردن دانشجویان با مسائل جاری در اقتصاد منطقه ای و جهانی
0.43	1.00	10.63	4.34	6.21	5.70	7.23	عدم تحول در دروس فعلی و اضافه نمودن گرایش جدید کاربردی
1.00	2.31	2.70	2.40	2.59	1.81	4.90	تدوین چارچوب برای دروس

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴- ماتریس زوجی

پس از نرمال سازی و محاسب اولویت ها اولویت ها به شرح ذیل استخراج گردیدند.



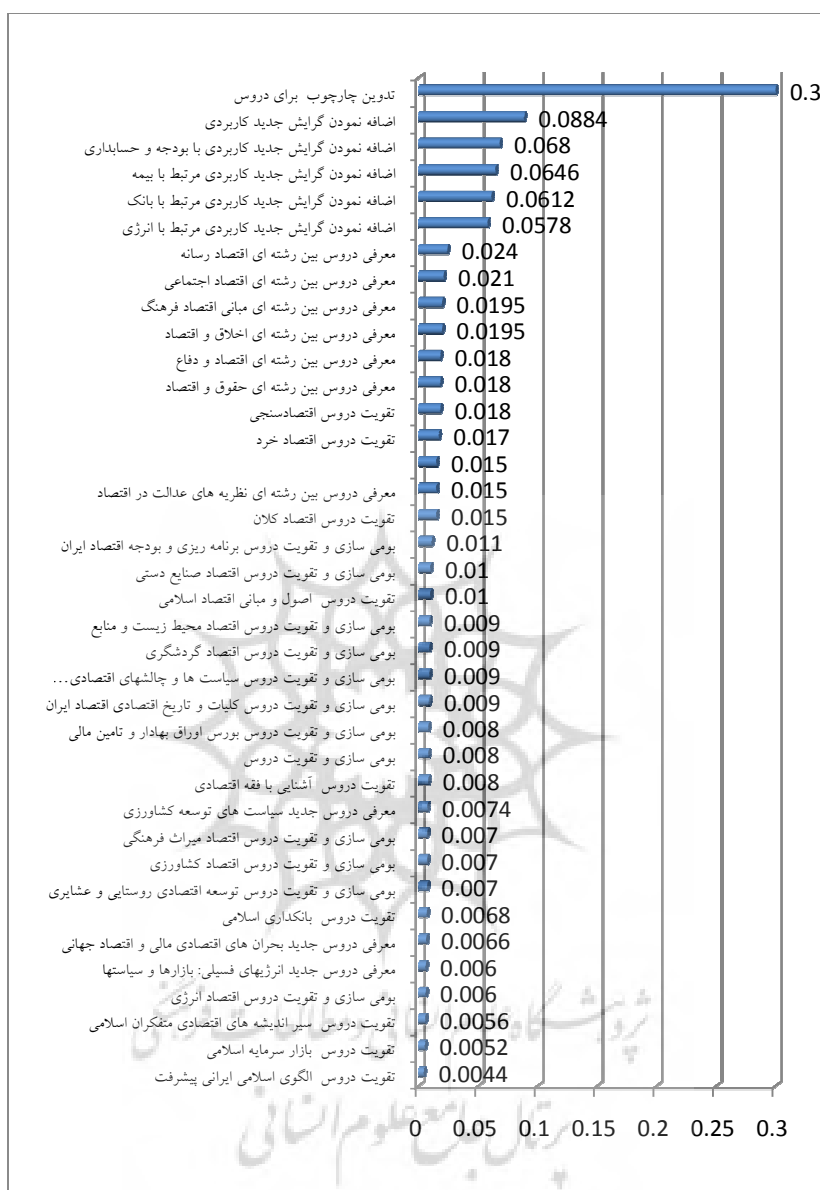
نمودار ۲- اولویت معیارهای تحول رشته اقتصاد

همچنین نرخ ناسازگاری محاسبه شده برابر با 0.072 است که به دلیل اینکه کمتر از 0.1 استاندارد قابل تحمل تحلیل سلسله مراتبی می باشد، پاسخ ها سازگار می باشند. همین روند محاسبه درخصوص زیرشاخص های فرعی انجام شده است.

اولویت بندی نهایی

در این قسمت به اولویت بندی کل زیر شاخص ها در تعیین اولویت اقدامات درخصوص اصلاح رشته اقتصاد پرداخته می شود. با توجه به نتایج بدست آمده از بخش های قبل این اولویت بندی به صورت زیر می باشد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار ۳- وزنهای نهایی تحلیل سلسله مراتبی

با توجه به نتایج بدست آمده ملاحظه آموزش اقتصاد دارد. در مرحله بعد اضافه نمودن گرایش‌های کاربردی و اضافه نمودن دروس بین رشته ای، بیشتر مورد تقاضای شاغلین بازار کار می‌باشد.

جمع بندی

برخلاف رویه معمول اصلاح ساختار اقتصاد از نظر متخصصین اقتصاد شاغل در بازار ضرورت تدوین چارچوب برای دروس فعلی و همچنین اضافه نمودن دروس و گرایش‌های کاربردی معیارهای اولویت‌دار اصلاح رشته اقتصاد می‌باشد و تقویت دروس بومی سازی شده و آشنایی با بحران‌ها در اصلاح دوره کارشناسی کمتر توصیه می‌شود. لذا به نظر باید از دیدگاه نیاز بازار کار به این موضوعات در اصلاح رشته اقتصاد توجه ویژه شود.



منابع

۱. احمدی، علی محمد، (۱۳۸۹)، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۸
۲. اصغری محمود، جستاری پیرامون اقتصاد رفاه/نقد و بررسی نظریه پاره تو، اندیشه حوزه، ۳۱، آذر و دی ۱۳۸۰
۳. انس الزرقا محمد (باقری مجتبی)، تابع رفاه اجتماعی از دیدگاه اسلام، فصلنامه موسسه مطالعات دین و اقتصاد، ۲، پاییز ۱۳۸۵
۴. بختیاری صادق، اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی، فصلنامه مفید، ۲۳، پاییز ۱۳۷۹
۵. حائری سیدکاظم و یوسفی احمدعلی، اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ۱، سال اول
۶. دادگر یدالله و رحمانی تیمور، مبانی و اصول علم اقتصاد، تبریز، فروزش، ۱۳، ۱۳۹۱
۷. دادگر یدالله، کارآیی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف، یدالله دادگر، مجله علمی پژوهشی نامه مفید، ۱۷، بهار ۱۳۸۷
۸. دادگر یدالله، درآمدی بر روش شناسی علم اقتصاد، تهران، نشر نی، ۳، ۱۳۹۲
۹. درخشان، مسعود، (۱۳۹۱)، بومی سازی اقتصادی و اقتصاد اسلامی ملاحظاتی در رویکردهای تطبیقی و مبنایی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۵۲، ۷۱-۳۳
۱۰. زراء نژاد، منصور، (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر آموزش اقتصاد با رویکرد بومی سازی و نوین سازی، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سیزدهم، شماره دوم، ۷۷-۸۸
۱۱. سیف احمد، درآمدی بر اقتصاد و تحولات در اندیشه های اقتصادی، سایت www.pecritique.com
۱۲. شاکری عباس، مروری تاریخی بر روند شکل گیری نظریه های اقتصاد کلان، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۲۳، تابستان ۸۴
۱۳. صادقی حسین، اقتصاد خرد اسلامی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱، ۱۳۷۴
۱۴. صدر سیدکاظم، تعامل علم اقتصاد و مکتب اقتصاد اسلامی، نشریه پژوهش های رشد و توسعه پایدار، ۵ و ۶، پاییز و زمستان ۱۳۸۱
۱۵. عرب مازار عباس، دانش اقتصاد اسلامی از امکان تا واقعیت، نشریه اقتصاد اسلامی، ۶، پاییز ۱۳۸۵
۱۶. عربی سیدهادی، از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری (بنیان های فلسفی و ارزشی اقتصاد رفاه)، نشریه روش شناسی علوم انسانی، ۵۷، زمستان ۱۳۸۷

۱۷. قنبری اکبر، مبنای ارزشی نظام اقتصاد اسلامی، نشریه نقد و نظر، ۲۱ و ۲۲، زمستان و بهار ۸۹-۷۸
۱۸. کارگروه تحول اقتصاد شورای تحول علوم انسانی، برنامه پیشنهادی اصلاح رشته اقتصاد، وزارت علوم، ۱۳۹۴
۱۹. کرمی، محمد مهدی و پورمند، محمد؛ مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، شماره انتشار ۵۲۷، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۷.
۲۰. لیارد پی.آر.جی و والترز ا.ا. (شاگری عباس)، تئوری اقتصاد خرد، تهران، نشر نی، ۸، ۱۳۹۲
۲۱. محتشم دولت‌شاهی طهماسب، مبانی علم اقتصاد، تهران، خجسته، ۴، ۱۳۸۱
۲۲. میرجلیلی سیدحسین، مروری بر اقتصاد کلاسیک و مکتب‌های آن، نشریه فرهنگ، ۶۶، تابستان ۱۳۸۷
۲۳. میرمعزی حسین و قائمی نیا علی اصغر، نقدی بر تعریف علم اقتصاد از منظر مبانی اسلامی، نشریه اقتصاد اسلامی، ۴۳، پاییز ۱۳۹۰



